از نیمه ی قرن سیزده به بعد، تحولات فضایی تهران شکل دگرگونه و متمایزی به خود گرفت. زمین شهری کم کم کارکرد ویژه ای یافت و امیال و تعلقات تازه ای را بازتاب کرد. چنگ زدن به این امیال و محقق کردن شان، هم به شکل صوری و هم محتوایی، از ضابطه و قانونی پیروی می کرد که شکل های اجتماعی – حقوقی کهنه ی جامعه ی ایران، زمینه و امکانش را فراهم کرده بود. متن حاضر حاصل تلاش و پیگیری برای پاسخ دادن به پرسش پیرامون این دوره ی دگرگونی و متمایز شدن است. به طور مشخص این سوال مطرح است که بین سال های میانی سده ی سیزده تا سال های منتهی به انقلاب 1357، زمین های شهر تهران را چه کسانی، چگونه، در نسبت با چه افرادی و به نفع چه عده ای شکل داده و کنترل کرده اند؟ نقطه ی شروع و انگیزه ابتدایی و نهایی طرح این پرسش یا به عبارتی هدف از بیان آن، قرار گرفتن در معرض منطق اجتماعی عمیقا نابرابری است که در قالبی دست نخورده و بکر، پس زمینه ی کنش های جمعی ایران معاصر بوده است.

مطالب این کتاب در دو بخش ارائه شده است. بخش اول به بررسی سه سطح کلان ( نظام جهانی و اقتصاد سیاسی - ملی )، میانه (سیاست های دولتی و تحرکات جمعیتی درشهر)، و خرد (فضای شهری و کنش روزمره ی مردم عادی) می پردازد و در بخش دوم، نخست وضعیت تهران در آستانه ی سرمایه داری بین سال های 1250 تا 1320 شمسی مورد کنکاش قرار می گیرد و سپس موقعیت تثبیت شده ی مناسبات سرمایه داری شهرتهران، بین سال های 1320 تا 1357 شمسی بررسی می شود.